فراغتی و کتابی و گوشه چمنی

کتاب‌های پیشنهادی نویسندگان، مترجمان و روزنامه‌نگاران برای تعطیلات نوروز ۱۴۰۴

۱ فارسی وطن است

ماندانا تیشه‌یار / استادیار روابط بین‌الملل

به این فکر نکرده بودم که «فارسی» تنها یک زبان نیست؛ فارسی یک فرهنگ است. مردمانِ فرهنگ فارسی، برخی به همین زبان سخن می‌گویند و شمار بسیار بیشتری از آنها، این زبان را نمی‌دانند یا در گذر تاریخ فراموش کرده‌اند؛ اما روش و منش زندگی‌شان، آیین و آداب و رسوم‌شان، فکر و ذهن‌شان همچنان «فارسی‌خو» مانده است. مانا کیا، دانشیار مطالعات خاورمیانه، جنوب آسیا و آفریقا در دانشگاه کلمبیا پس از سال‌ها پژوهش کوشیده است که نشان دهد چگونه پیش از آمدن ناسیونالیسم غربی به این حوزه تمدنی، شهر و خطه و خاستگاه، مهر به میهن را در دل مردم هم‌فرهنگ می‌نشاندند و دولت و کشور و مرز، میان آنها فاصله‌های هویتی نمی‌انداختند. او سراغ مردم سرزمین‌های شرقی ـ آنجا که ایرانی‌ها از دیرباز هندوستان می‌نامندش ـ رفته تا از دل متون و اسناد تاریخی و اجتماعی و ادبی، پیوندهای میان فارسی‌گویان و فارسی‌خوبان را از پس چند سده به نمایش بگذارد. همین داستان را می‌توان در هم‌پیوندی با مردمان آسیای مرکزی و اهالی قفقاز، شامات و کرانه‌های جنوبی خلیج‌فارس نیز دید. هنوز نوروز جشن مردمانیست که امروزه در کشورهای گوناگون این کهن‌تمدن زندگی می‌کنند و هنوز مرزها و سیاست‌های دولت‌ها نتوانسته جوامع مدنی هم‌فرهنگ را از آیین‌های مشترک‌شان دور سازد. کتاب «خودهای فارسی‌خو: خاطرات خطه و خاستگاه ماقبل ملی‌گرایی» را علیرضا عامری از انگلیسی به فارسی برگردان کرده و چنان در واژه‌گزینی سلیقه به خرج داده و دایره واژگان ما در این حوزه مطالعاتی را گسترش داده که باید به او هم به‌اندازه خانم کیا دستمریزاد گفت. این کتاب را نمی‌توان نشست و خواند و برخاست، باید جرعه‌جرعه نوشید و ایده‌های تازه آن را به آهستگی در اندیشه، سخن و نوشته جای داد.

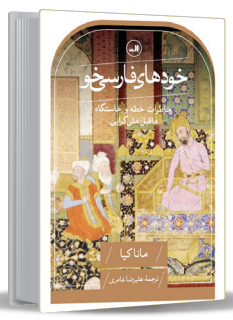

معرفی کتاب

خودهای فارسی‌خو
نویسنده: مانا کیا
مترجم: علیرضا عامری
انتشارات: نشر ثالث

۲ به وقت اعتراف مامور امنیتی

نرگس حسن‌لی / مترجم

نونا فرناندز، نویسنده شیلیایی، جوایز ادبی بسیاری برده ازجمله چندین‌بار جایزه آلتازور (جایزه‌ای ادبی در شیلی) را دریافت کرده است. او که کودکی خود را در دوران حکومت ژنرال پینوشه گذرانده، در آثار خود مکرراً به مضمون‌هایی چون حافظه جمعی، ترومای جمعی، فقدان و سوگ می‌پردازد و انسانی‌ترین وجوه زندگی مردمی تحت یک دیکتاتوری مخوف را به تصویر می‌کشد.

فرناندز کتاب «قلمرو برزخ» را با ورود مردی به دفتر یک مجله آغاز می‌کند؛ مردی که مأموری در دستگاه پلیس مخفی رژیم پینوشه است و در پرونده‌های شکنجه، قتل و آدم‌ربایی بسیاری از مخالفان پینوشه دخیل بوده یا از آن‌ها اطلاع داشته است. او در پی رستگاری به دفتر مجله آمده، آمده تا با خبرنگاری صحبت کند و اطلاعات محرمانه خود را در اختیار او بگذارد. خبرنگار با او مصاحبه می‌کند، مأمور مخفیانه از کشور خارج می‌شود و مصاحبه با عکس مأمور و تیتر «من شکنجه می‌کردم»، در مجله منتشر می‌شود. دومینویی از اتفاقات رخ می‌دهد و درنهایت با فرازونشیب‌های بسیار، حکومت پینوشه سقوط می‌کند. فرناندز در کودکی آن مجله و تیتر را دیده بوده و سال‌ها بعد وقتی دوباره عکس مأمور را می‌بیند، با سیلی از خاطرات مواجه می‌شود و انگار برای نوعی تخلیه احساسی یا ادای دین، در کتاب «قلمرو برزخ» روایتگر کسانی می‌شود که در طول دیکتاتوری مفقود شده یا به قتل رسیده بودند. «قلمرو برزخ»، عواطف، ذهن و قوه قضاوت خواننده را درگیر می‌کند و این شاید همان چیزی باشد که فرناندز خود هنگام مرور خاطرات و اسناد تجربه کرده است.

معرفی کتاب

قلمرو برزخ
نویسنده: نونا فرناندز
مترجم: حسن مرتضوی
انتشارات: نشر بان

۳ راستی وحشتناک

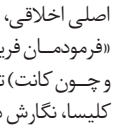

حمیدرضا رحمانی‌زاده دهکردی
دانشیار علوم سیاسی

در سال پایانی نگارش رساله دکتری‌ام در دانشگاه تهران در ۱۳۷۹، به‌طور اتفاقی در کتابخانه «مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها» به کتاب جالبی برخوردم که صفحه نخست آن با جمله‌ای از ویتگنشتاینِ «هشت ساله» شروع می‌شد: «چرا وقتی سود در دروغ گفتن است، آدم باید حرف راست بزند؟» این سخنِ یا به‌قول نویسندگان؛ «قلاب روایی»، مرا میخکوب کرد. نشستم و بی‌اندیشه که برای کار دیگری، فیش‌برداری رساله، آمده‌ام تا ساعات پایانی کار کتابخانه بخشی از آن کتاب قطور را خواندم. فردا و پس‌فردا نیز از صبح با اشتیاق آمدم و آن را به پایان بردم. مسحورِ روایت ری مانک، نویسنده کتاب شده بودم و شخصیت منحصربه‌فرد آن ویتگنشتاین! چند شب بعد که با زنده‌یاد ادیب سلطانی صحبت کردم گفت که او هم گرفتار کتاب شده و آن را امانت گرفته و یک شب تا صبح آن را خوانده است. بعدها مراد فرهادپور خلاصه‌ای از کتاب را با نام «رسالتِ نبوغ» منتشر کرد که آن هم بسیار شیرین و خواندنی است. هرچند در این مختصر، نمی‌توان درباره کتاب «وظیفه/ رسالت نبوغ» ری مانک (Ludwig Wittgenstein: The duty of genius. Free Press) حق مطلب را ادا کرد. می‌خواهم تکه‌ای بسیار کوچک از آن را روایت کنم؛ آنجا که راسل در نامه‌ای به معشوقه‌اش درباره ویتگنشتاین بیست و چند ساله نوشته است. راسل از این «مرد شوریده جوان» نقل می‌کند که می‌گوید آدمی همانند بتهوون، باید همه وجودش را در کار بریزد. او برای راسل تعریف کرده بود که گویا یکی از دوستان بتهوون به در خانه او رفته بود و «از پشت در صدای دادوفریاد، بدوبیراه و نیز آواز بتهوون را ـ که گویا در حال ساخت فوگ جدیدش بود ـ شنیده بود. بعد از یک ساعت تمام در زدن و انتظار، بالاخره بتهوون دم در آمده؛ با ظاهری که انگار با ابلیس گلاویز شده است. کاشف به عمل آمد که او ۳۶ ساعت است چیزی نخورده زیرا آشپز و خدمتکار خانه از دم تیغ خشم او گریخته بودند. مرد/آدمی باید چنین باشد». (Monk, ۲۵۹) ری مانک در کتاب نشان می‌دهد که چگونه ویتگنشتاین تحقق کاری را اصلی اخلاقی، بی‌چندوچون و رسالتی وجودی یا به‌قول ادیب سلطانی؛ «فرمودمان فریزی» (categorical imperative یا اصل اخلاقی بی‌چند و چون کانت) تلقی می‌کرد و برای حتی کارهای کوچک نظیر باغبانی در کلیسا، نگارش دستور زبان برای بچه‌های دبستانی، اختراعات در صنعت هوافضا، ابداعاتی در بیمارستان هنگام جنگ، رام کردن مرغان دریایی، ساخت خانه برای خواهرش و... به شیوه تمام‌عیار و با «راستی وحشتناک» (brutally honest) کار می‌کرد، چه برسد به آثار جاودانش یعنی «رساله منطقی‌ـفلسفی» و «پژوهش‌های فلسفی». آنچه بهانه این نوشتار کوتاه شد این بود که از دانشجویانم شنیدم که کتاب «وظیفه نبوغ» به‌تازگی به پارسی منتشر شده. چه خبر خوبی! شوربختانه برگردان پارسی آن را نخوانده‌ام اما امیدوارم که مترجم توانسته باشد از پسِ ظرایف و لطایفِ فلسفی و روایی کتاب برآمده باشد. ایدون باد.

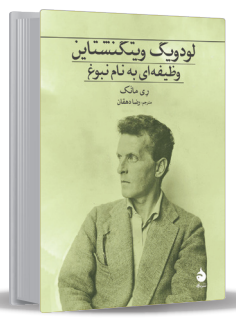

معرفی کتاب

لودویگ ویتگنشتاین: وظیفه‌ای به نام نبوغ
نویسنده: ری مانک
مترجم: رضا دهقان
انتشارات: نشر ماهی

۴ هوش مختص انسان نیست

هادی صمدی
گروه فلسفه واحد علوم و تحقیقات تهران

بهترین کتابی که در سال ۱۴۰۳ خواندم، اثری بود از فرانس دِوال با عنوان «آنقدر هوشمند هستیم که هوشمندی جانوران را درک کنیم؟» کتاب با ترجمه عالی محمدمهدی هاتف توسط نشر پارسه منتشر شده است. از نیمه قرن نوزدهم که داروین نشان داد تبار انسان با سایر جانوران یکی است تا اواخر قرن بیستم، همچنان این باور شایع بوده که انسان‌ها خصوصیات منحصربه‌فردی دارند که هیچ سابقه‌ای در عالم جانوری ندارد؛ چیزهایی مانند تفکر کردن، خودآگاهی، زبان نحوی و آینده‌نگری. مطالعات نخستی‌شناسی در دهه‌های اخیر اما سخت بر این ادعا تاخته‌اند و توانسته‌اند زمینه‌های مشترکی برای هر یک از این صفات در پستانداران نخستی پیدا کنند. فرانس دِوال فقید از جمله این نخستی‌شناسان بود که مطالعات آزمایشگاهی و میدانی مفصل‌اش درخصوص کَپی‌ها و میمون‌ها به پر شدن شکاف میان انسان و حیوان کمک شایانی کرد. این مطالعات به انضمام دانش گسترده دوال در سایر حوزه‌ها سبب شده کتاب مزبور بتواند موضوع هوش جانوری را در دایره‌ای بزرگتر از زیست‌شناسی طرح کند و آن را به تصورات آدم‌ها از جانوران در رسانه و ادبیات و فلسفه پیوند بزند. بخشی از تلاش دِوال معطوف به شکستن تصور کلیشه‌ای از هوش در قالب انسانی آن است. او معتقد است، هوشمندی مثل سایر صفات زیستی در پیوند با محیط طبیعی و در ارتباط با مسائل و مشکلات زیستی یک گونه معنی پیدا می‌کند. به این ترتیب هوشمندی در فیل به‌صورتی محقق می‌شود که با هوشمندی در اختاپوس متفاوت است و هر دوی این صورت‌ها نیز با هوشمندی در انسان تفاوت‌هایی دارند. به‌رسمیت شناختن این تنوع، دانشمند را وامی‌دارد به‌جای آنکه هوش را در آزمایشگاه‌های انسانی اندازه‌گیری کند، ساکن قلمروهای طبیعی جانوری شود، حتی‌الامکان در جلد جانور فرو رود و مسائل و راه‌حل‌ها را از منظر موجودات مورد مطالعه دنبال کند. به‌گمانم کتاب ارزش وقت گذاشتن و خواندن را دارد.

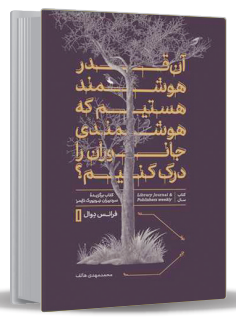

معرفی کتاب

آن‌قدر هوشمند هستیم....
نویسنده: فرانس د وال
مترجم: محمدمهدی هاتف
انتشارات: کتاب پارسه

۵ کتاب‌هایی که دوست دارم بخوانم

بهارک محمودی / استادیار علوم ارتباطات

راستش را بخواهید، قصه برای من نه از معرفی کتاب‌های خوانده‌شده که از به اشتراک گذاشتن آرزوهایم در پیدا کردن فرصتی برای خواندن کتاب‌های محبوبم آغاز می‌شود. از این‌روی این چند خط، نه روایتی از سطور خوانده شده که تلاش برای به‌ثمر رسیدن امکان و آرزوی خواندن آنهاست. «دلبستگی کتابی» جدیدترین اثر جستارنویس محبوبم احمد اخوت است که پیش از این با کتاب «تا روشنایی بنویس» او، زندگی و نوشتن را تمرین کرده بودم. کتاب‌های اخوت کتاب‌هایی برای خواندن امروز و فردا نیست؛ کتاب‌هایی بالینی‌اند که باید مزه‌مزه شوند و کم‌کم در جان آدم، جا بیافتند. «خودِ نوشتن» و «تفنگ چخوف» را از او دریابید. «توانا بود هرکه دانا بود» به قلم سیروس شایق و ترجمه مارال لطیفی، از مجموعه کتاب‌های علم و سیاست «نشر شیرازه» است که برای فهم چگونه مدرن شدن یا نشدن امروز و حال ما، خواندنی به‌نظر می‌رسد. اگر حوصله کردید و البته علاقه داشتید از این مجموعه سری به «دینامیت، کمانچه، خودکار جادویی» اثر کامران سپهران بزنید که همچون عنوانش جذاب و خواندنی است. بی‌شک از کتاب‌های نشر اطراف خبر دارید. از این مجموعه «رها و ناهوشیار می‌نویسم» و «دیدار اتفاقی با دست خیالی» را به دقت خوانده و با روایت‌های سوگ «لنگرگاهی در شن روان» گریسته‌ام. هنوز اما فرصت نکرده‌ام «روایت و کنش جمعی»، همچنین «خاک کارخانه» را به پایان برسانم. از این میان، اولی پاسخ مناسبی به فهم نسبت واقعیت و روایت در جهان امروز است و دومی گزارشی ناب از سرنوشت کارگران کارخانه‌ای که حالا مدت‌هاست خاک می‌خورد. خلاصه که خوب می‌دانم به‌قول شهیار قنبری: «خواندنی‌ها کم نیست؛ من و تو کم خواندیم».

معرفی کتاب

دلبستگی کتابی
نویسنده: احمد اخوت
انتشارات: نشر گمان

۶ چهار چشمِ سرخ رویِ دراز بالایِ سبز مو

بهاره ارشد ریاحی / نویسنده

برای نگارش رمان جدیدم نیاز به مطالعه در فضاهای فانتزی فارسی داشتم؛ از شناخت اساطیر تا عجایب‌نامه‌ها. چند کتاب اما علاوه بر منبع تحقیقاتی، به قفسه «موردعلاقه»هایم در کتابخانه راه یافتند. یکی از این کتاب‌ها «دیونامه»ی پرویز براتی با عنوان فرعی «بازشناسی چهره موجودات خیالی در روایت‌های ایرانی» است که به‌عنوان یک کتاب خوشخوان برای تعطیلات نوروزی پیشنهادش می‌کنم. پیش از این «بادهای افسون» را از همین مؤلف خوانده بودم و نکته‌سنجی و تبحر ایشان در پژوهش‌های این حوزه برایم مسجل شده بود. از آنجا که منابع و شناخت‌نامه‌های موجودات خیالی ایرانی عموماً متون کلاسیک و سخت‌خوانی دارند، دستیابی به چنین منبعی حکمِ رساندن آب حیات به یک تشنه در بیابان‌مانده را دارد. مطالب این کتاب در پنج پرده دسته‌بندی و ارائه شده است؛ قصه‌گوی برزگر و قصه‌گوی دریانورد، نقش و کارکرد سیاسی متون شگفت، صورت‌های شگفتی، اعجاب‌برانگیزی در متون عرفانی و خیال‌های غربی. از جذاب‌ترین بخش‌ها می‌توان به فصول مربوط به دیوان، پریان، اژدهایان و جنیان در پرده دوم و بررسی عناصر شگفت در رمانس‌های عامیانه، روایت‌ها، قصه‌ها و حماسه‌های دینی ایران قدیم اشاره کرد. مثلاً در بخش

خبرسازان

درگذشت مادربزرگ فیلم مرهم

کبری حسن‌زاده، مادربزرگ علیرضا داوودنژاد و بازیگر فیلم‌های «مرهم» و «کلاس هنرپیشگی» بر اثر کهولت سن در ۱۰۲ سالگی درگذشت. او متولد ۱۳۰۱ بود و در دو فیلم «مرهم» و «کلاس هنرپیشگی» به کارگردانی نوه خود، علیرضا داوودنژاد ایفای نقش کرده بود. در سال ۸۹ به‌عنوان بهترین بازیگر زن جشنواره دوبی شناخته شد. علیرضا داوودنژاد در پی دریافت جایزه جشنواره فیلم دوبی به ایسنا گفته بود: «فیلم ما در جشنواره دوبی دو نمایش داشت که هر دو بار با برخورد مناسب تماشاگران و منتقدان مواجه شدیم و پس از این دو نمایش، تماشاگران نسبت به مادر و مادربزرگ بنده که هر دو در این فیلم به ایفای نقش پرداخته بودند، اظهار لطف زیادی کردند.» قصه‌ی «مرهم» علیرضا داوودنژاد از مادر بزرگی حکایت می‌کرد که سخت در تعقیب نوه‌اش ـ با بازی طناز طباطبایی ـ بود که درگیر اعتیاد است. کبری حسن‌زاده در روزهای آتی در قطعه هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده خواهد شد.

ساخت قسمت پنجم جان ویک

کمپانی لاینزگیت تایید کرد که قسمت پنجم «جان ویک» ساخته می‌شود. به گزارش مهر به‌نقل از وارایتی، «جان ویک: فصل ۴» با وجود رتبه R و زمانی حدود سه‌ساعت، نزدیک به ۲۰۰ میلیون دلار در آمریکا و نیم‌میلیارد دلار در سراسر جهان فروش کرد. با وجود این‌که جان ویک احتمالاً مرده، چون در «فصل ۴» در انتهای فیلم شاهد کشته شدن و تدفین او بودیم، حالا خبر قطعی رسیده که پنجمین فیلم جان ویک در حال ساخت است. اکنون جنیفر براون، رئیس بخش تولید لاینزگیت، تأیید کرده که «جان ویک: فصل ۵» در دست بررسی است. او گفت: این جهان به روش‌های باورنکردنی به رشد و گسترش ادامه می‌دهد. البته در مرحله بعد، ما «بالرین» را داریم که اولین فیلم اسپین‌آف ماست و البته اعلام می‌کنیم که روی پنجمین فیلم «جان ویک» کار می‌کنیم. تنها توضیح اضافه او این بود که ما در حال ساخت پنجمین فیلم «جان ویک» هستیم... ویک ممکن است مرده باشد، اما همه ما داریم نفس می‌کشیم تا بفهمیم واقعیت چیست!

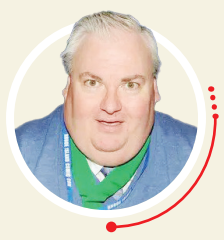

سایمون فیشر درگذشت

سایمون فیشر بکر، بازیگر بریتانیایی که در سریال «دکتر هو» و یک فیلم از مجموعه «هری پاتر» نقش‌آفرینی کرده بود، در ۶۳ سالگی درگذشت. به گزارش ایسنا، همسر این بازیگر این خبر را در فیس‌بوک اعلام کرد و نماینده هنری او نیز در بیانیه‌ای که با دددلاین به اشتراک گذاشته شد، این خبر را تأیید کرد. علت مرگ او فاش نشده است. فیشر بکر در سه‌قسمت از سریال «دکتر هو»، همچنین در قسمت‌های اسپین‌آف صوتی این مجموعه‌ی علمی‌ـ تخیلی در شبکه بی‌بی‌سی و دیزنی‌پلاس، نقش مالدوور را ایفا کرد. اولین نقش بازیگری او به‌عنوان گریفین در کاری مدرسه‌ای در «آلیس در سرزمین عجایب» بود. او همچنین در فیلم «هری پاتر و سنگ جادو» در نقش روح خانه‌ی هافل‌پاف، موسوم به «راهب چاق»، ظاهر شد. از دیگر کارهای او می‌توان به فیلم «بینوایان» ساخته‌ی تام هوپر در سال ۲۰۱۲، سریال‌های تلویزیونی «واترساید» و درام «دکترها» از شبکه‌ی بی‌بی‌سی اشاره کرد. کیم بَری، نماینده او در آژانس جفری منیجمنت، گفت: «امروز نه‌تنها یک موکل، بلکه دوست نزدیک ۱۵ ساله‌ام را از دست دادم.»